



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۹/ فروردین/ ۱۳۹۶

موضوع کلی: اوامر

مصادف با: ۱۰ رجب ۱۴۳۸

موضوع جزئی: مقدمه واجب - مباحث مقدماتی - واجب معلق و منجز -

بررسی وقوع واجب معلق در شرع (کلام محقق اصفهانی)

جلسه: ۸۱

سال هشتم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

همانطور که در جلسه قبل بیان شد سه قسم از واجبات به عنوان نقض بر قول به استحاله واجب معلق و قول به انکار واجب معلق از ناحیه کسانی که واجب معلق را محال نمی دانند وارد شده است.

اول: واجبات تدریجی مقید به زمان معین.

دوم: واجبات تدریجی غیر مقید به زمان معین.

سوم: واجباتی که نیاز به مقدماتی دارند که بدون آن مقدمات امکان اتیان به آن واجب نیست.

این سه مورد به عنوان واجب معلق که در شرع وارد شده است ذکر شده و محکم ترین دلیل بر امکان شیء وقوع آن شیء است.

این سه مورد را در جلسه قبل بیان کردیم و بیان کردیم که با این سه مورد کلام محقق اصفهانی و محقق نایینی و محقق نهایندی که قائل به استحاله واجب معلق هستند نفی می شود. همچنین کلام افرادی که واجب معلق را ممکن می دانند، اما معتقدند که در شرع واقع نشده است مثل شیخ انصاری و محقق خراسانی.

حال باید دید این اقسام سه گانه به عنوان نقض نسبت به آن دو دسته و آن دو گروه قابل قبول است یا خیر؟

ملاحظه فرمودید که محقق نایینی برای هر سه مورد توجیهی بیان کردند. ایشان این نقض ها را توجیه کرد و گفتند ما نیز قبول داریم که این موارد در شریعت وجود دارد ولی هیچ کدام منافاتی با استحاله واجب معلق ندارد. (توجیه محقق نایینی را در جلسه قبل بیان کردیم اما چون بعضی از دوستان در جلسه قبل تشریف نداشتند در این جلسه توجیه محقق اصفهانی را نیز بیان می کنم که در دو مورد پاسخ ایشان همان پاسخ محقق نایینی است تا هم توجیه محقق نایینی معلوم شود و هم کلام محقق اصفهانی بیان شده باشد) خوب دقت کنید ادعا چیست؟

بحث ما بررسی ادله استحاله واجب معلق بود. همان طور که در جلسات قبل بیان شد، عده ای قائل به محال بودن واجب معلق می باشند. یعنی این که وجوب فعلی و حالی و واجب استقبالی باشد، معقول و ممکن نیست. محقق نایینی و محقق اصفهانی و نهایندی قائل به استحاله بودند و ما ادله این بزرگان را رد کردیم و مشخص شد واجب معلق غیر معقول و محال نیست بلکه یک امر ممکن است.

حال این سه نقض در مقابل آن دو گروه باید بررسی شود که آیا واقعا با آن سه مورد می توان اثبات امکان واجب معلق و اثبات وقوع واجب معلق را کرد؟ یعنی بگوییم این موارد هم دلیل بر امکان واجب معلق است و هم دلیل بر وقوعش و نهایتا بپذیریم که واجب معلق در شریعت واقع شده است و قسمی از واجبات شمرده می شود.

تفاوت قسم اول و قسم دوم فقط در مقید بودن و عدم مقید بودن به زمان مقید است و الا هر دو واجب تدریجی هستند. برای واجبات تدریجی غیر مقید به زمان مثال به صوم زدیم و گفتیم: امساک در طول روز از اول طلوع فجر تا غروب واجب است و در هر جزیی از اجزاء نهار باید امساک شود. وجوب امساک از خوردن و آشامیدن و به طور کلی مفطرات از همان ابتدای طلوع فجر ثابت می شود، در حالی که هنوز اجزاء مختلف نهاری نیامده است. آن لحظه ای که امساک، وجوب پیدا می کند مثلا هنوز جزء آخر امساک قبل از مغرب نیامده در حالی که وجوبش محقق است. یعنی وجوب امساک وجود دارد اما خود واجب که امساک جزء آخر نهار است مثلا ده ساعت دیگر می آید.

کلام محقق اصفهانی

توجیه قسم اول و قسم دوم

محقق اصفهانی مانند محقق نایینی می فرماید: در این قسم ما ملتزم می شویم که حکم وجوب تدریجا فعلیت پیدا می کند. یعنی این طور نیست که وجوب امساک جزء آخر نهار از الان ثابت باشد تا بین وجوب و واجب فاصله بیفتد.

تمام حرف قائلین به استحاله واجب معلق این بود که معقول نیست بین وجوب و واجب فاصله باشد یعنی وجوب فعلی باشد و واجب استقبالی. لذا در این مورد می گویند: در ما نحن فیه مسئله این نیست که وجوب امساک از الان ثابت باشد تا واجب که بعدا می آید بین وجوب و واجب فاصله افتاده باشد. آن چیزی که می خواهد وجوب به آن تعلق بگیرد هنوز نیامده. مثلا فرض کنید در طول روز ما صد جزء داریم که امساک در همه این اجزاء واجب است. اما وجوب امساک جزء دوم و سوم و صدم الان واجب نیست بلکه وجوب امساک به تدریج فعلیت پیدا می کند. وقتی موضوع یعنی واجب یعنی آن جزء زمان که باید در آن امساک شود، محقق شد همان موقع نیز وجوب در آن تحقق پیدا می کند. پس بین وجوب و واجب فاصله ای نیست و این گونه نیست که وجوب، فعلی و حالی باشد و واجب استقبالی. پس راه حل محقق اصفهانی همانند محقق نایینی در پاسخ به نقض به قسم اول و قسم دوم واجبات یکی است. یعنی التزام به تدریجی بودن فعلیت حکم، به موازات تدریجی بودن حصول شرط و تدریجی بودن حصول واجب.

ان قلت: اگر ما این حرف را بزنیم لازمه اش این است که ما در یک موضوع چندین حکم داشته باشیم. یعنی وقتی گفته می شود وجوب امساک تدریجا فعلی می شود معنایش این است که ما برای هر روز از روزه هزاران حکم وجوب داریم و این راه حل نتیجه اش از بین رفتن وحدت حکم باشد. به عبارت دیگر وقتی گفته می شود حکم به تدریج فعلی می شود معنایش این است که حکم وجوب صوم روز اول رمضان یک حکم نباشد. چون این حکم به وجوب امساک آفات مختلف مبدل شده است، یعنی صدها حکم. لذا ما مواجه با وجوب امساک در جزء اول زمان وجوب امساک در جزء دوم زمان، وجوب امساک در جزء سوم زمان و... هستیم و این معنایش این است که هر روز ماه رمضان دهها حکم وجوبی داشته باشد.

قلت: التزام به تدریجی بودن حکم منافاتی با وحدت حکم ندارد. حکم واحد است، یعنی واحد عرفی است. همان گونه که در تمام تدریجیات وحدت را حاکم می‌دانیم، حکم نیز همین طور است. مثلاً به کل صبح تا شب گفته می‌شود یک روز. با نگاه عرف، امور تدریجی که متصف به وحدت می‌شوند را یکی می‌دانیم. حال اگر مجموع صبح تا شب را یکی دانستیم و متصف به وصف وحدت شد حکمش هم می‌تواند همین طور باشد. درست است که وجوب هر جزئی از اجزاء زمان به تدریج فعلی می‌شود اما این تدریجی بودن حکم هیچ منافاتی با واحد بودن حکم ندارد.

در قسم دوم واجبات نیز قضیه از همین قرار است. واجبات تدریجی غیر مقید به زمان معین مثل نماز ظهر و عصر که به یک معنا تدریجی است. زیرا اجزاء خود این نماز بعد از هم محقق می‌شوند اما این مقید به یک زمان معین نیست می‌تواند در یک فاصله زمانی واقع بشود آن جا نیز ایشان از راه تدریجی بودن حکم مسئله را توجیه نمودند.

در این دو قسم نظر محقق اصفهانی و محقق نایینی یکی است و هر دو برای رد این نقض‌ها از یک مسیر وارد شده‌اند.

توجیه قسم سوم

قسم سوم واجبات بعضی از واجباتی است که نیاز به مقدمه دارند (واجبات ذات مقدمه) واجباتی که بدون اتیان به مقدمه امکان امتثال آن‌ها نیست. گفته شد در شریعت واجباتی داریم که این واجبات بدون انجام مقدماتش امکان امتثال آن‌ها نیست. معنایش این است که وجوب فعلی است زیرا شخصی که قصد سفر حج را دارد باید مقدماتی را انجام بدهد و گذر نامه تهیه کند، بلیط بگیرد، ویزا بگیرد و اگر الان این کارها را نکنند در وقت خودش نمی‌تواند به این واجب جامه عمل بپوشاند. به عبارت دیگر وجوب حج الان است اما خود واجب چند ماه بعد است و وجوب فعلی و واجب استقبالی اما اگر الان این مقدمات را انجام ندهد و همه مقدمات را بگذارد برای زمانی که واجب فعلی می‌شود دیگر امکان امتثال واجب نیست.

پس بعضی از واجبات مبتنی بر مقدماتی هستند که این مقدمات تا اتیان نشوند امکان عمل به آن واجب و ذی المقدمه نیست. قطعاً ما در شرع چنین واجباتی داریم و این ادل دلیل بر معقولیت واجب معلق و این که وجوب فعلی است ولی واجب استقبالی.

توجیه محقق نایینی را در جلسه قبل بیان کردیم اما محقق اصفهانی این قسم را به نحو دیگری توجیه نمودند:

محقق اصفهانی برای این قسم سوم می‌فرماید: ما در مورد وجوب ذی المقدمه و تکلیف به ذی المقدمه می‌گوییم وجوب ذی المقدمه فعلی نیست. قبل از اتیان به مقدمه تکلیف به ذی المقدمه فعلی نیست ولی یک مسئله است، شوق به ذی المقدمه الان متعلق شده است. یعنی کسی که می‌خواهد حج برود قبل از آن که بلیط و پاسپورت تهیه کند حج بر او واجب نیست ولی شوق نسبت به انجام سفر حج را دارد. منتهی این شوق به فعلیت نمی‌رسد زیرا مانع در برابر فعلیت این شوق وجود دارد. یعنی تکلیف به ذی المقدمه به خاطر مانع فعلی نشده اما تکلیف به مقدمه فعلی شده است زیرا مانعی در برابرش نیست.

قبلاً هم بیان شد که ما یک مقدمه داریم و یک ذی المقدمه. ذی المقدمه مبتلا به مانع است و چون مبتلا به مانع است تکلیف به آن فعلیت پیدا نمی‌کند. اما مقدمه چون مانعی در برابرش نیست تکلیف به آن فعلیت پیدا می‌کند. پس تکلیف به ذی المقدمه فعلی نیست لوجود المانع و تکلیف به مقدمه فعلی است لعدم المانع. ولی فعلی نبودن تکلیف منافاتی ندارد با این که اشتیاق و شوق نسبت به ذی المقدمه وجود داشته باشد. الان در نفس کسی که می‌خواهد به حج مشرف شود اشتیاق به آن وجود دارد ولی این اشتیاق چون در برابرش مانع است مانع فعلیت بعث و تحریک می‌شود. بعث و تحریک به حج که باعث می‌شود تکلیف فعلیت پیدا کند به خاطر

وجود مانع از این مرحله تجاوز نمی کند ولی تکلیف به مقدمه فعلیت پیدا می کند زیرا مانعی در تعلق شوق به مقدمات نیست به عبارت دیگر راه حل محقق اصفهانی برای نقض سوم این است که اگر قائل به وجوب مقدمه شویم، بعث و تحریک و تکلیف نسبت به مقدمه فعلیت پیدا کرده ولی بعث و تحریک نسبت به ذی المقدمه فعلیت پیدا نکرده است.

ان قلت: اگر تکلیف به ذی المقدمه فعلیت پیدا نکرده چطور بعث و تحریک نسبت به مقدمه فعلیت پیدا کرده است.

قلت: چون نسبت به ذی المقدمه شوق وجود دارد، از شوق به ذی المقدمه یک شوقی ترشح می کند به مقدمه منتهی این شوق به مقدمه چون مانعی ندارد به مرحله فعلیت و بعث فعلی می رسد اما شوق به ذی المقدمه چون مبتلا به مانع است دیگر منجر به بعث فعلی نمی شود.

پس در حقیقت ایشان قصد دارند بگویند: کماکان بر این عقیده ایم که واجب معلق محال است و مثال هایی که بیان شد، هیچ کدام دلیل بر امکان و وقوع واجب معلق در شرع نیست. زیرا این که الان باید مکلف بلیط تهیه کند، ویزا تهیه کند در حالی که حج شش ماه بعد واجب است، ربطی به واجب معلق ندارد. به طور کلی هر واجبی که نیاز به مقدماتی دارد، اساسا تکلیف نسبت به آن فعلیت پیدا نمی کند تنها چیزی که نسبت به آن وجود دارد شوق است و این شوق به ذی المقدمه باید به فعلیت برسد تا تکلیف و بعث فعلی او را هل بدهد به سمت انجام کار. این شوق، شوق وجوب حج به خاطر وجود مانع منجر به بعث فعلی و تحریک فعلی آن نمی شود. ولی این شوق نسبت به ذی المقدمه که مانع دارد و نتوانسته به بعث فعلی برسد، شوقی از او مترشح می شود نسبت به مقدمه. یعنی چون شوق به حج دارد شوق به تهیه پاسپورت و ویزا نیز پیدا می کند ولی این شوق به مقدمه چون مانعی در برابرش نیست منجر به تحریک فعلی می شود. لذا در چنین واجباتی که نیازمند اتیان به مقدمه هستند تکلیف به مقدمه فعلی است اما تکلیف به ذی المقدمه فعلی نیست. لذا این قسم ربطی به واجب معلق ندارد، زیرا ما تکلیفی نداریم تا شما بگویید الان وجوب است ولی واجب بعدا می آید. خیر در این موارد نیز بین وجوب و واجب فاصله ای نیفتاده است. وجوب ذی المقدمه و وجوب حج الان ثابت نیست زیرا مانع دارد در همه موارد مسئله از این طریق قابل حل است.

صرف نظر از اشکالاتی که در بیان محقق نایینی و اصفهانی وجود دارد و ما بخشی از آنها را در مقام بررسی ادله استحاله واجب معلق ذکر کردیم آیا این توجیها می تواند قابل قبول باشد یا خیر؟

بررسی کلام محقق نایینی و محقق اصفهانی

دلیل محقق اصفهانی و نایینی را قبلا مورد بررسی قرار دادیم و گفتیم ادله آن ها نمی تواند اثبات استحاله واجب معلق را کند. واجب معلق یک امر معقول و ممکن است و صرف نظر از اشکالاتی که به آن مسئله است اصل این مسئله می تواند از ناحیه محقق نایینی و محقق اصفهانی در پاسخ به این نقض ها ارائه شود. یعنی فی الواقع طبق چارچوبی که آن دو بزرگوار دارند این ها نقض بر استحاله واجب معلق نیستند و از دید خودشان یک چارچوب عقلی ارائه داده اند. هر چند از دید ما اشکال دارد اما به هر حال یک تصویری برای این سه مورد و توجیهی برای این سه قسم از واجبات بیان کردند. همین مقدار که ایشان یک تصویر معقول از این سه قسم ذکر کردند برای این که این نقض ها کنار برود کافی است. اما این که نقض بر واجب معلق نشود و این توجیها می تواند رافع مشکل باشد، معنایش این نیست که واجب معلق محال است و ما کماکان می گوئیم واجب معلق معقول است منتهی باید بررسی شود که آیا واقعا در شرع واجب معلق داریم یا خیر؟

«الحمد لله رب العالمین»